

چشم‌انداز پیشگیری

از انتشارات معاونت پیشگیری بهزیستی منطقه شمال
واحد مشاوره

روابط همسران جوان، اقدام‌هایی انجام داد. این اقدام‌ها بدون توجه به ریشه‌های ناسازگاری سودمند نیست.

یکی از ریشه‌های بسیار مهم ناسازگاری زناشویی جوانان، وجود ضعف‌هایی در آمادگی آنان پیش از ازدواج است. رابطه میان آمادگی برای ازدواج جوانان و سازگاری زناشویی آنان در جای خود توضیح داده شده است.

از سوی دیگر میزان آمادگی برای ازدواج به اندازه روحیه و وظیفه‌شناسی و مسؤلیت‌پذیری فرد بستگی دارد و مسؤلیت‌پذیری نیز تابعی از

ریشه‌های خانوادگی ناسازگاری زناشویی جوانان

ناسازگاری زناشویی جوانان در ابتدای زندگی ممکن است از دیدگاه برخی از مردم، امری طبیعی و عادی تلقی شود؛ اما اگر این وضعیت به حال خود گذارده شود، بی‌تردید زندگی مشترک را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد. آثار ناخوشایند و ثمرات ناگوار طلاق در میان جوانان، بر هیچ کس پوشیده نیست. بنابراین لازم است برای پایداری



می‌کند.

۳- نکته آخر آن که بر خلاف تصور برخی از افراد، بروز فعالیت‌های پرخاشگرانه نوجوانان، خشونت آن‌ها را کم نمی‌کند؛ بلکه با انجام خشونت، ستیزه‌جویی نوجوانان بیش‌تر می‌شود.^۱

نقش خشونت والدین

هر وضعیتی که موجب بروز یکی از عوامل فوق شود، به افزایش ستیزه‌جویی و پرخاشگری نوجوانان می‌انجامد. چنان‌که ذکر شد، یکی از این سه عامل مهم، اصل مشاهده وضعیت خصمانه است. اگر نوجوان در محیط خانوادگی خشونت‌آمیز زندگی کند، مشاهده رفتارهای خشونت‌آمیز اعضای خانواده و به ویژه پدر و مادر با یکدیگر، روحیه ستیزه‌جویانه وی را تقویت می‌کند و باعث نمایان شدن پرخاشگری او می‌شود.

از جمله موارد و نمونه‌های مهم پرخاشگری والدین، خشونت بدنی آن‌هاست که اگر در معرض دید فرزندان باشد، نتایج ناگواری در دوره‌های نوجوانی و جوانی خواهد داشت؛ نظیر ناسازگاری، خشونت، ضعف خودباوری، کم‌آموزی، مسؤلیت‌ناپذیری و عدم آمادگی کافی برای ازدواج در سال‌های جوانی. لذا این دسته از جوانان حتی اگر اقدام به ازدواج کنند، با مسائل و مشکلات زناشویی مهمی رویارو خواهند بود. چنان‌که یافته‌های جدید در روان‌شناسی ازدواج نشان می‌دهند:

"مقایسه جوانانی که در خانواده‌های دارای خشونت بدنی زندگی کرده بودند با جوانانی که در چنین خشونت‌بی‌سری به سر نبرده بودند، نشان داد که آن‌ها حرکت‌های خشونت‌آمیز خصمانه بیش‌تری بروز دادند و در هنگام روبه‌رو شدن با

خودباوری و عزت نفس است. پس هر عاملی که باعث بروز ضعف در خودباوری و عزت نفس جوان شود، می‌تواند ناسازگاری زناشویی وی را در پی داشته باشد.

ناسازگاری در دوره نوجوانی

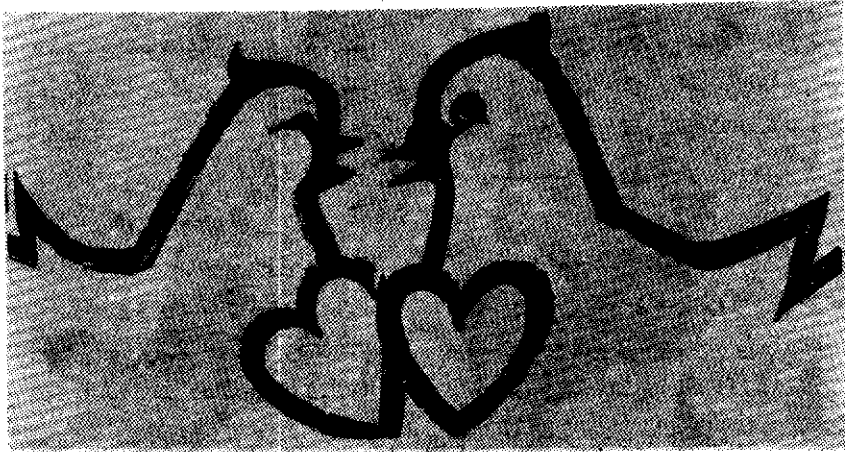
عدم مسؤلیت‌پذیری در میان جوانان، ریشه در ضعف خودباوری و ناسازگاری در دوران نوجوانی دارد. این نوجوانان معمولاً رفتارهای خشونت‌آمیزی بروز می‌دهند. آن‌ها بیش از هم‌سالان سازگار خود به حمل ابزار آلات و وسایل خشونت‌آمیز مبادرت می‌کنند و به طور کلی با گروه‌های هم‌سالشان، دچار اصطکاک‌ها و تعارض‌هایی هستند.

از عوارض طبیعی این وضعیت در دوره نوجوانی، نمایان شدن ضعف‌های تحصیلی و کم‌آموزی است که خود می‌تواند ناسازگاری موجود را افزایش دهد.

"خشونت نوجوانان آسیبی است که به وجود عوامل و علل خاصی بستگی دارد. معمولاً سه عامل کلی در بروز خشونت نوجوان، سهم اساسی ایفا می‌کنند:

۱- خشونت نوجوانان، بی‌تردید یک جنبه یادگیری دارد. آن‌ها معمولاً رفتار خشونت‌آمیز را یاد گرفته‌اند و از سوی دیگر، شرایطی در پیرامون آن‌ها وجود دارد که این خشونت را آموزش داده است.

۲- مشاهده و دیدن یک موقعیت خصمانه و یا رفتار خشن، اعمال خشونت‌آمیز نوجوانان را افزایش می‌دهد. پس رفتار پرخاشگرانه، یک پایه حسی (بصری) دارد. زندگی نوجوانان در فضای خشونت‌آمیزی که در معرض دید و مشاهده آن‌هاست، روحیه خصمانه را در آنان تشدید



مهم‌تری در پیش‌بینی رفتارهای پدرانه دارد.
۳- وضعیت عصبی استوارترین عامل پیش‌بینی کننده از نقش پرورشی مردان و زنان است.

۴- سه متغیر شخصیت، حالات خشم و پرورش فرزند، هم‌بستگی ضعیفی با یکدیگر دارند.^{۲۰}

به نظر می‌رسد که بهترین عامل پیش‌بینی کننده برای رفتارهای پدرانه حالات برون‌گرایانه و تعادل عصبی آن‌هاست. این دو ویژگی می‌تواند حتی با خشونت شخصیت نیز قابل جمع باشد، مشروط بر آن که خصومت شخصی پدران، تعادل عصبی آن‌ها را مختل نسازد و یا حالات درون‌گرایانه پدید نیآورد.

از سوی دیگر، برون‌گرایی و یا درون‌گرایی مادران، نقشی در قابلیت فرزندپروری آن‌ها ندارد. حالات گوشه‌گیرانه مادران هرگاه همراه با ضعف عصبی و بروز رفتارهای تند و ستیزه‌جویانه آن‌ها نباشد، به رفتار مادرانه آنان، آسیبی نمی‌زند. مادرانی که از حیث خصوصیات شخصیتی، افرادی خشن و ستیزه‌جو هستند، بیش از پدران دارای روحیه خشن، رفتارهای پرخاشگرانه انجام

اختلاف‌های زناشویی و خانوادگی خود واکنش منفی‌تری نمایان ساختند. احتمالاً خشونت و پرخاشگری بدنی در خانواده مبدأ افکار و احساسات جوانان را در حل تعارض در زندگی زناشویی آن‌ها، تحت تأثیر قرار می‌دهد.^{۲۱} بی‌تردید رفتارهای خشن والدین، بستگی به خصوصیات شخصی آن‌ها دارد. رابطه پرخاشگری با شخصیت خشونت‌آمیز و خصمانه در میان پدران و مادران متفاوت است. مطالعات نشان می‌دهند که این رابطه در میان مادران، قوی‌تر است؛ یعنی رفتار مادرانه بیش از رفتارهای پدرانه، بستگی به خصومت شخصی دارد:

بر اساس یک بررسی مشاهده‌ای از رابطه والدین با پسران پانزده تا بیست و یک‌ماهه، رتبه‌بندی رفتاری و گزارش‌های شخصی از میزان خوشخویی، عصبی بودن، و برون‌گرایی، یافت گردید که:

- ۱- رفتارهای پرورشی مادران به طرز استواری بیش از پدران، به وسیله شخصیت و حالات خشونت‌آموز آن‌ها پیش‌بینی می‌شود.
- ۲- برون‌گرایی (بر عکس خوشخویی)، نقش

TO SIMULATED MARITAL AND FAMILY
CONFLICT. COGNITIVE THERAPY AND
RESEARCH. 19(6),707-724

3- BELSKY, JAY, CRNIC, KEITH AND WOOD W-
ORTH SHARON (1995). PERSONALITY AND
PARENTING: EXPLORING THE MEDIATING ROLE
OF TRANSIENT MOOD AND DAILY HASSLES.
JOURNAL OF PERSONALITY. 63(4) 905-929.

نقش خودباوری مرد در خانواده

اگر بپذیریم که مرد، اساسی‌ترین تأثیر را در شکل‌گیری و پایداری خانواده دارد، بدین معناست که مهم‌ترین عامل ایجاد کننده رضایت اعضای خانواده به نقش مرد بستگی دارد. یعنی او در نقش یک شوهر، می‌تواند باعث رضایت روانی همسر خود شود و به عنوان یک پدر، رضایت فرزند را ایجاد کند. پس بیش‌ترین عامل رضایت زناشویی و خانوادگی همسر به شوهر مربوط می‌شود و مهم‌ترین اسباب خشنودی فرزند به پدر باز می‌گردد.

نقش مرد در رضایت همسر

تازه‌ترین مطالعات مربوط به روان‌شناسی ازدواج و خانواده به سه دسته عوامل کلی اشاره دارد که رعایت آن‌ها توسط مرد باعث رضایت خاطر همسر و فرزند می‌شود:

۱- اظهار عقیده مثبت خود به همسر
بر اساس پژوهش‌های به دست آمده تجدید در

می‌دهند. به عبارت دیگر، امکان پیش‌بینی پرخاشگری پدران بر پایه بررسی ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها کم‌تر است. حال آن‌که می‌توان رفتار تند و خشونت‌آمیز مادران را از طریق مطالعه خصلت خشن آن‌ها (حتی پیش از ازدواج) پیش‌بینی کرد.

به طور کلی مطالب گفته شده را می‌توان در سه نکته اساسی جمع‌بندی نمود:

- ۱- ناسازگاری زناشویی جوانان، در محیط زندگی آن‌ها در دوران کودکی، ریشه دارد؛ محیطی که فضای خشونت‌آمیزی داشته است.
 - ۲- محیط خانوادگی خشن، تحت تأثیر ضعف عصبی والدین و رفتارهای پرخاشگرانه آن‌هاست.
 - ۳- پرخاشگری مادران بیش از پدران، به ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها بستگی دارد.
- نتیجه کلی نکات فوق آن است که ضعف عصبی والدین (به ویژه شخصیت ستیزه جویانه مادر) در ایجاد محیط خانوادگی خشن، نقش پیش‌بینی کننده نیرومندی دارد؛ پس می‌تواند ناسازگاری زناشویی جوانان برخاسته از این خانواده‌ها را نیز پیش‌بینی کند.

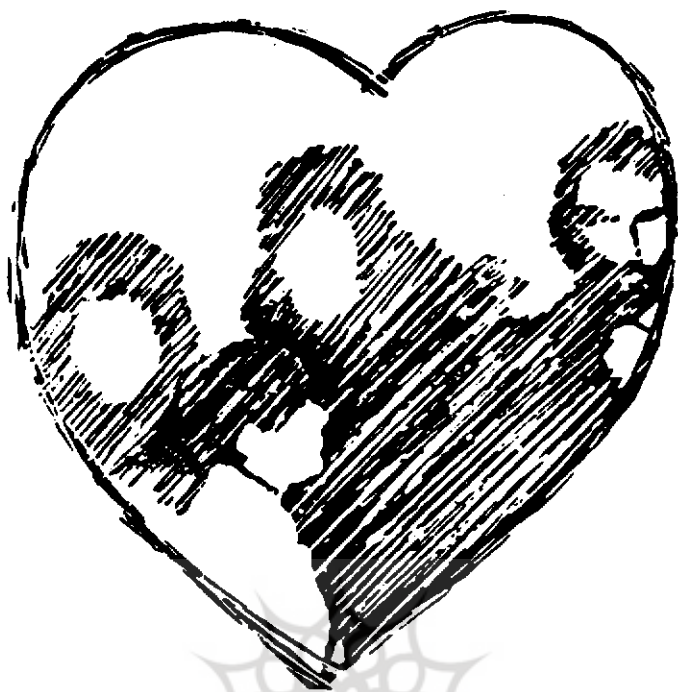
مژگان حجاب

ناصرالدین کاظمی حقیقی

منابع:

1- GABRIEL- RM; HOPSON- T; HASKINS-
M; POWELL KE (1996). BUILDING RELATIONSHIPS
AND RESILIENCE IN THE PREVENTION OF
YOUTH VIOLENCE.

2- O BRIAN, MARY; BALTO; ERBER, STEPHANIE
AND GEE, CHRISTINA (1995). COLLEGE STUDE -
NT S COGNITIVE AND EMOTIONAL REACTIONS



اعتنا، هنگامی است که احساس کنند شیرازه نظام خانواده آن‌ها در حال از هم پاشیدن است و غیر از آن درخور توجه و اعتبار نیست. پس زمانی یک مشکل را جدی می‌دانند که تهدیدی برای فروپاشی و از هم گسیختگی زندگی خانوادگی باشد و امنیت و آرامش فضای حاکم بر خانواده را خدشه‌دار کند.

۳- رسیدگی و توجه به خواست‌های فرزند بی‌تردید مرد به عنوان یک پدر، مهم‌ترین عامل خشنودی خانوادگی فرزند است. می‌دانیم که رعایت خواست‌های فرزند و ارضای آن‌ها، رضایت خاطر وی را در پی دارد و پدر در ارضای این خواست‌ها و توقعات، مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند. هر چه رسیدگی پدر به خواست‌های فرزند، بیش‌تر باشد، به طور طبیعی، خشنودی و مسرت خاطر بیش‌تر فرزند را به دنبال دارد. پس

روان‌شناسی ازدواج و خانواده، اعتقاد یک همسر نسبت به خودش بستگی به عقیده شوهرش نسبت به او دارد.^۱ اگر توانمندی برجسته‌ای در عرصه روابط و مهارت‌های اجتماعی، قریحه هنری، توانایی ورزشی و یا هر ویژگی شخصیتی در او سراغ دارد، آن را بیان می‌کند و مورد تأکید قرار می‌دهد.

۲- دوری از خرده‌گیری نسبت به همسر تا حد ممکن از همسر خود، خرده‌گیری نمی‌کند. پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند که به طور کلی مردان، معمولاً وجود مسائل و مشکلات جدی را در زندگی زناشویی و خانوادگی خود، انکار می‌کنند و نسبت به بیان و اظهار این جنبه، سکوت بیش‌تری نشان می‌دهند.^۲ این سکوت و چشم‌پوشی، به دوام زندگی مشترک کمک فراوانی می‌کند. از دیدگاه این گروه از مردان، مسأله قابل

خرده‌گیری و ایجاد خودباوری مثبت در همسر، موجبات رضایت خاطر او را در زندگی زناشویی فراهم می‌کند. ثانیاً از طریق رسیدگی به خواست‌های فرزند، باعث خشنودی خانوادگی می‌شود.

خلاصهٔ بیان‌های فوق آن است که میزان رضایت خانواده به سطح خودباوری مرد بستگی دارد. هر چه این خودباوری بیش‌تر باشد، رضایت خانواده و پایداری نظام آن بیش‌تر خواهد بود. از این‌رو می‌گوییم: نظام خانواده با خودباوری مرد به پایداری می‌رسد.

ناصرالدین کاظمی حقیقی

منابع:

1- RITTS, VICKI AND STEIN, JAMES R. (1995). VERIFICATION AND COMMITMENT IN MARITAL RELATIONSHIPS: AN EXPLORATION OF SELF - VERIFICATION THEORY IN COMMUNITY COLLEGE STUDENTS. PSYCHOLOGICAL REPORTS, 76(2), 383-386.

2- SAYERS, STEVEN L. AND BAUCOM, DONA- ID. H. (1995). MULTIDIMENSIONAL SCALING OF SPOUSES ATTRIBUTION FOR MARITAL CONFLICTS. COGNITIVE THERAPY AND RESEARCH. 19(6), 667- 693.

3- FAGAN, JAY (1996). A PRELIMINARY STUDY OF LOWINCOME AFRICAN AMERICAN FATHERS PLAY INTERACTIONS WITH THEIR PRESCHOOL AGE CHILDREN. JOURNAL OF BLACK PSYCHOLOGY, 22(1), 7 -19.

هر وضعیت و شرایطی که به رسیدگی به خواست‌های فرزند توسط پدر امکان دهد، به ایجاد رضایت خاطر فرزند از زندگی خانوادگی کمک کرده است.

یکی از عوامل بسیار مؤثر در پدر که ارتباط بسیار نزدیکی با ایجاد رضایت فرزند دارد، سطح خودباوری پدر است. هر چه خودباوری و عزت نفس پدر بیش‌تر باشد، میزان رسیدگی به خواست‌های فرزند نیز افزایش دارد.

به عنوان مثال پژوهش‌ها نشان می‌دهند، "پدرانی که عزت نفس بیش‌تری دارند با کودکان خردسال خود، بیش‌تر بازی می‌کنند و در سرگرمی‌های آن‌ها، مشارکت بیش‌تری نشان می‌دهند. بر این اساس رضایت خانوادگی فرزند، بستگی مستقیم با سطح عزت نفس و خودباوری پدر دارد."^۳

از سوی دیگر وجود خودباوری در مرد، آثار مثبتی در روابط زناشویی‌اش نیز ایجاد می‌کند و منجر به رضایت زناشویی همسرش می‌شود. این خودباوری همراه با نوعی استحکام و استواری روانی است که چه بسا امور ناچیز و مسائل کوچک در زندگی مشترک نادیده گرفته می‌شود و از خرده‌گیری نسبت به شریک زندگی خودداری می‌گردد. علاوه بر آن، شوهری که از خودباوری استوار و محکمی برخوردار است، می‌تواند بر روی خودباوری همسرش نیز تأثیر بگذارد و آن را مثبت و نیرومند کند. یعنی بیان اعتقاد مثبت نسبت به همسر، باعث ایجاد خودباوری مثبت در وی می‌شود.

در نتیجه، شوهران خودباور، بیش از دیگران، همسران خودباور دارند. با این توضیح وجود خودباوری نیرومند در مرد از دو جنبه، رضایت خانواده را به دنبال دارد: اولاً، به وسیلهٔ اجتناب از